

عبدالمجید رشید پور

نوع دوستی!

* فرد در خدمت اجتماع .

کتابخانه مدرسه فیضیہ قم

* انگیزہ های اجتماعی .

* محور فضیلت ها .

* * *

فرد در خدمت اجتماع

در نظر بدوی آدمی يك واحد بنظر میرسد ، ولی پس از بررسی دقیق آشکار میگردد که انسان بمنزله کارخانه های بزرگی است ، که در هر قسمت آن هزاران کارگر فعال ، شب و روز بکار اشتغال دارند ، آنچه که جالب بنظر میرسد ، اینست که در درجه اول تمام نیروها و تلاشهای کارگران برای حفظ بهداشت و سلامت خود بدن است ، یعنی همه باهم کار میکنند تا وضع عمومی بدن رضایت بخش باشد . چیزی که در این فعالیتهای پی گیر وجود ندارد ، موضوع خود پرستی و سودجویی شخصی است ، چه آنها نمیدانند ، اگر وضع عمومی بدن خوب باشد ، خود بخود هر یک از کارکنان بدن بنسب ، نشاط و سلامت خود را بدست خواهند آورد .

علم طبیعی در تشریح اسرار خلقت انسان ، این واقعیت را تأیید می کند ، در روده قسمت اعظم مواد غذایی ، یا تقریباً تمام مواد غذایی هضم شده ، از دیواره روده گذشته به خون می پیوندند ، معدنک سلولهای دیواره روده ، از غذایی که از آنها عبور می کند تغذیه نمی کند ، بلکه رگهای خونی خاصی مواد غذایی مورد احتیاج سلولهای روده را تأمین میکند ، و همچنین تمام غذاهای سلولهای بدن ، همراه خون از قلب می گذرند ، ولی سلولهای دیواره قلب ، از مواد غذایی داخل قلب استفاده نمی کنند ، بلکه رگ مخصوصی از خارج ، مواد غذایی را بدیواره قلب هدایت میکند .

شاید شگفت آور باشد که تمام اکسیژن مورد احتیاج بدن را شش‌ها تأمین میکنند ، معذکک سلولهای ریوی ، از اکسیژن هوای درون شش‌ها استفاده نکرده ، بلکه مواد غذایی و اکسیژن مورد احتیاج سلولهای دیواره شش را ، رگهای خونی دیگری تأمین مینمایند .

بدون تردید اجتماع واقعی است که از هر فرد انسانی تشکیل یافته است ، و تلاشهای فرد فرد افراد است ، که پایه‌های اجتماع را استوار می‌گرداند ، و باز بطور یقین تکامل و انحطاط اجتماع ، وابسته یکایک از افراد اجتماعی است ، و این انسان‌های اجتماع هستند که می‌توانند مدینه فاضله را بوجود آورند .

برای تشکیل دادن يك جامعه خوب در درجه اول باید هدف افراد از کوششها و تلاشها این باشد ، که جامعه مترقی و پیشرفته‌ای را برای خود بوجود آورند ، تا در سایه آن جامعه ، خود و خانواده‌ایشان بطور کامل برخوردار باشند ، بنابراین هر فردی باید خود پرستی و سود طلبی شخصی را رها کرده ، سعی کند وظیفه‌ای که اجتماع با او محول کرده است ، بخوبی انجام دهد ، اگر طبیب است سعی کند با اموال و اعراض اجتماع دست تعدی دراز نکند ، اگر معلم و دبیر است ، باید سعی کند در مرحله تربیت فرزندان اجتماع مسامحه و تساهل نورزد ، اگر تاجر و بازرگان است ، سعی کند نفع اجتماع را بر سود شخصی مقدم دارد ، تا افراد اجتماع ، دچار بحرانهای مالی و اقتصادی نگردند ، و بطور خلاصه هر فردی براستی و درستی ، و وظیفه اجتماعی خود را انجام دهد .

انگیزه های اجتماعی

یکی از دانشمندان اخلاق غربی میگوید : هر قدر که میخواهی از زندگی بهره‌مند گردی باید در درجه اول بزندگی خدمت کنی این جمله حقایق بزرگی را در بردارد ، باید اجتماع با نشاطی وجود داشته باشد ، تا در سایه آن ، ما بخواسته خودمان برسیم . آیا در اجتماع فاسد ، برای افراد مصونیتی مالی و ناموسی وجود دارد ، آیا در اجتماعی که فاقد مصونیت باشد ، میتوان زندگی کرد ؟

پنا بر این آنانکه بزندگی و حیات علاقه مندند ، باید در درجه اول

بزندگی خدمت کنند ، کوشش کنند تا در پی ریزی اساس اجتماعی سهیم باشند .
 امروزه یکی از مشکلات اجتماعی ما اینست که همه بفکر خودشانند هر
 کسی میخواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد ، اصلاً چیزی که بفکر نمیرسد
 موضوع اجتماع است ، تمام تلاشها بر محور منافع شخصی دور میزند ، و کمتر دیده
 میشود که تفکرات بر اساس تشکیلات اجتماعی دور بزند ، بزرگترین زیانی که
 از این نوع طرز تفکر عاید میگردد ، اینستکه اصول اخلاقی و انضباط و
 بهداشت و فرهنگ و سایر شئون زندگی ، تزلزل یافته ، فساد و تباهی بر تمام
 طبقات اجتماعی حکمفرما میگردد .

در این گونه اجتماعات ادب و انضباط و نظافت وقتی خوب است که
 منافع شخصی مادر میان باشد ، ولی وقتی ارتباطی در میان نباشد ، همه این الفاظ
 ارزشهای خود را از دست میدهد ، و عبارت دیگر نظم و اخلاق و حیثیت ناموقی
 ارزش دارند که مصالح ما ایجاد میکند ، ولی اگر منافع دیگران در میان
 باشد ، چیزی که بی قدر و ارزش خواهد بود همان کلمات عفت و حیثیت -
 پرستی و احترام بحقوق است ، آری در همین موارد اصول زندگی بهیچ چیز
 گرفته میشود .

بدون تردید این خطر تار و پود زندگی فردی و اجتماعی ما را برباد
 داده ، و سقوط اخلاقی و اقتصادی و فرهنگی ما را هر لحظه نزدیکتر میسازد .
 پیش از آنکه موجودیت خود را از دست داده باشیم ، باید همه افراد اجتماع
 از خواب بیدار شده ، بجای تأسف خوردن و شك و تردید داشتن ، بر نامه های
 پر ارزش اسلامی را یکی پس از دیگری عملی ساخته ، در تشکیل دادن يك اجتماع زنده
 اسلامی قدم جلو گذارند ، تا کم کم تفکرات عمومی اجتماعی گسترش یابد ، و
 مردم بجای خود پرستی سعی کنند ، منظور از زندگی را در ایجاد عدالت اجتماعی
 و فرهنگ و اخلاق عمومی بدانند .

محور فضیلتها

اسلام برای اینکه این نوع خود پرستی ها را از میان مسلمانان بردارد ،
 همه افراد مسلمانان را با یکدیگر برادر خوانده است ، و باین وسیله خواسته است

با آن بفهماند ، که خوشبختی را باید برای همه افراد اجتماع بخواهند و سعی کنند عوامل آنرا برای تمام افراد بوجود آورند ، امام جعفر صادق (ع) میفرمود:

المؤمن اخو المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده وارواحهم من روح واحدة . یعنی مؤمن برادر شخص با ایمان است و در حقیقت همانند اعضاء جسم بایکدیگر اتحادی دارند .

در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید: **يحب المرء المسلم لآخيه ما يحب لآخيه ما يكره لآخيه** یعنی مرد مسلمان کسی است که هر چه خوبی برای عزیزترین فرد خانواده اش میخواهد ، برای سایر افراد اجتماع نیز بخواهد و آنچه را که برای خود عزیزان خود نمیخواهد ، برای مسلمانان نخواهد .

در روایت دیگری که امام جعفر صادق علیه السلام از رسول خدا نقل می کند ، میفرماید : **من أصبح ولا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم** : یعنی هر که فکر خدمت با اجتماع را نداشته باشد ، اصولاً نمیتوان چنین فردی را مسلمان نامید .

قوانین اسلامی آنچنان پی ریزی شده است که ، میبایستی افراد اجتماع مصالح نوعی را بر منافع شخصی مقدم دارند ، و هر کجا مقتضیات اجتماعی ایجاب کند ، ارزش شخصیت مالی و جانی خود صرف نظر کنند ، و بر همین اساس فضیلت ها و شخصیت های فردی بر محور روحیات اجتماعی ایشان دور میزند ، هر قدر شخص اجتماعی تر باشد ، و فکر و روحش با اجتماع و مصالح آن توجه داشته باشد ، دارای ارزش بیشتری خواهد بود ، و یک مطالعه عمیق ، این واقعیت را در جزئی ترین مسائل تاریخی اسلام میرهن میسازد ، لذا آنانکه در میدان جنگ مبارزه می کنند ، بر گروه گوشه نشیمان برتری دارند ، و آنانکه اموال خود را در راه مصالح اجتماعی از دست میدهند ، بر آنانکه در فکر تمرکز ثروت و اموال هستند مقدم می-باشند ، و همچنین دانش طلبان بر عباد و زاهد های صومعه نشین فضیلت و شرافت دارند ، و شاید از همین باب باشد که **هداد** دانشمندان از قطرات خون جانبازان بر ترو بالاتر شمرده شده است .

رسول خدا میفرمود : **الخلق عيال الله فاحب الخلق الى الله من**

نفع عیال الله وادخل علی اهل بیت سروراً یعنی افراد اجتماع همه جزء عیالات خداوند هستند و برترین بندگان کسانی هستند که سود و نفعشان به عیالات پروردگار بیشتر باشد ، امام جعفر صادق (ع) فرمود : از رسول خدا پرسش کردند ، که برترین بندگان خدا کیانند ؟ رسول خدا فرموده آنانکه سودشان بیشتر متوجه مردم میگردد .

عن ابی عبد الله (ع) یقول سئل رسول الله من احب الناس الی الله قال انفع الناس للناس .

فرصت جوانی!

✦ تنها در ایام شباب است که انسان بنیاد اخلاق و عبادات خود را استوار میسازد ، هیچساعتی از آن خالی از فرصت نیست اما یکدقیقه آنیم همینکه گذشت دیگر بر نمیگردد .
✦ مطالعه کتابهای خوب ، تفکر در اسرار حیات و مصاحبت با دوستان اهل دل برای سعادت مند شدن کافی است .

(دانشمند شماره ۴۴ - روسکین)